

ترس از بازگشت به گذشته تاریک!

عبدالله هروی



وحده ملی، مشکلات مردم در تمام عرصه‌های زندگی بیشتر شده و هرگز گمان برده نمی‌شود که وضعیت تا بدین اندازه نگران کننده و وضعیت اقتصادی فلج گردد. اگر نسیب نگاهی به ارزش پول افغانی در برابر ارزهای خارجی داشته باشیم، کاهش شدید ارزش پول افغانی در برابر ارزهای خارجی به روشنی نشان دهنده وخیم بودن اوضاع امنیتی و سیاسی و بخصوص وضعیت اقتصادی می‌باشد. چنین شرایطی تا بدانجا نگران کننده و جدی است که بعضی از شهروندان معتقدند با آنکه اوضاع امنیتی در کشور بسطی نگران کننده می‌باشد اما بیکاری و فقر شدید دیگری است که دامنگیر مردم شده و عواقب خطرناکی را پیش روی مردم قرار داده است. به هروزی با توجه به شکایات گسترده مردم از مشکل بیکاری در مناطق مختلف کشور، تعدادی

حکومت به دلیل ناتوانی و ضعف در تامین امنیت و مقابله با مخالفین مورد بدگمانی و مخالفت مردم قرار گیرد. حملات گسترده و خونین در کندوز و غزنی و حملات انتحاری در کابل و ولایات میزان این ناراضی‌ها را به شدت افزایش بخشیده است. استیصال زندگی عادی مردم و بروز ناراضی‌های گسترده در میان آن‌ها نسبت به حکومت شده است. آنچه در کندوز و غزنی گذشته و می‌گذرد، همین طبعی نگرانی‌ها و بلاکلیفی‌های که در سایر ولایات و مناطق وجود دارد؛ انفصال و ناتوانی که حکومت را در مرکز و ولایات در خود پیچانده است، قوت یافتن عناصر و فاکت‌های اخلال کننده امنیت و زندگی و نظام هرکدام سبب گردیده است که امنیت فیزیکی و روانی از جامعه گرفته شود. مردم با گذشت هرروز بیشتر در گرداب ناامنی فرو رفته و خود را در معرض خطر و نابودی می‌بینند. طبیعی به نظر می‌رسد که در نخستین مرحله

حلقه مفقوده پیشرفت افغانستان

محمد رضا هویدا

رئیس جمهوری، روز گذشته در افتتاحیه نمایشگاه تولیدات زراعتی کشور به نکات اساسی و اصولی در مورد اقتصاد کشور پرداخت. او تصویر روشنی از وضعیت اقتصاد، ضعف‌ها و کاستی‌هایی که افغانستان با آن مواجه است را بر شمرد. او گفت که افغانستان باید به زراعت پیشرفته و مدرن دست یابد تا بتواند به خود کفایی برسد.

واردات مواد زراعتی تا این حد، اقتصاد و زراعت افغانستان را آسیب زده است و باید از این وضعیت نجات یابیم.

شهر و روستا به یکدیگر وصل نیستند، و این خود به ضرر روستایی تولید کننده و شهری مصرف کننده است.

غصب زمین در کشور جریان دارد و باید متوقف شود.

منابع آبی به خاطر عدم مدیریت صحیح از بین می‌روند، و...

بسیاری از مردم، و آگاهان مسایل افغانستان که با خصوصیات رئیس جمهوری از گذشته آشنا هستند، به خوبی می‌دانند که او در بیان مشکلات و توضیح و تشریح وضعیت، دانشمندی برجسته و تحلیل گر توانمندی است، همان گونه که ریاست اجرائیه نیز در بیان مشکلات و نواقص و کاستی‌ها، همانند ریاست جمهوری توانایی فوق العاده ای دارند. اما نفس اشتراک ریاست جمهوری در نمایشگاهی زراعتی از تولیدات داخلی افغانستان که بعد از مدتها در کابل برگزار می‌گردد، وضعیت اقتصاد افغانستان را نشان می‌دهد. در کشور زراعتی و ملداری مانند افغانستان، چنین نمایشگاهی نه بعد از ماه‌ها، بلکه باید به تکرار و دفعات در شهرها و ولایات مختلف و داخل و خارج باید برگزار گردد. آن هم نه برای معرفی محصولات بلکه برای رشد و توسعه صادرات و یافتن بازارهای قوی دیگر.

بدین لحاظ باید به دنبال حلقه مفقوده بود. وضعیت نابسامان اقتصاد، کار و سرمایه گذاری و برنامه یزی اقتصادی بر کسی پوشیده نیست. تمام آنچه در سخنرانی رئیس جمهوری گفته شد، در طول مدت چهارده سال گذشته از زبان مردم و رسانه های گروهی و سرمایه گذاران فریاد زده شده است. رئیس جمهوری به خوبی می‌داند که حلقه مفقود در اقتصاد و سیاست افغانستان، عدم مطابقت شعارها با عمل‌ها است. طرح و برنامه‌هایی که مسئولان شعار می‌دهند، با عمل‌شان از زمین تا آسمان تفاوت دارد. تیم‌های برنده انتخابات ریاست جمهوری که اکنون دولت را تشکیل داده‌اند، اگر به سخنرانی‌ها، وعده‌ها و وعیدهای‌شان در این روزها گوش بدهند، متوجه خواهند شد که میان عمل و حرف‌شان چه فاصله وحشتناکی وجود دارد. وزیران می‌توانند به برنامه‌های کاری‌شان که برای دولت و پارلمان ارائه شده است، مراجعه کنند. دولت افغانستان نتوانسته از حرف و شعار فراتر برود. برنامه‌هایی که وزرا، رؤسا و مسئولان دولتی شعار می‌دهند، با عمل به آنها هیچ همخوانی ندارد. به عنوان نمونه، از وعده‌های ریاست جمهوری برای حذف ادارات غیر ضروری و موازی گرفته تا ساختن ادارات کاملا موازی در این روزها فاصله عجیبی دیده می‌شود. در حالی که طبق قانون اساسی رئیس جمهوری دو معاون دارد، شخص دیگری با عین صلاحیت معاون در دستگاه دولت تعریف می‌شود. یا موارد مشابهی که افرادی به صلاحیت وزیر و ... از سوی دولت تعریف می‌شوند.

در این روزها که باید دولت به حل مشکلات اقتصادی، امنیتی و سیاسی کشور بپردازد، اما دولت به ساختن و معرفی دهها پست مشاور و کارشناس و دیگر پست‌های غیر ضروری مشغول است. میلیون‌ها دالر که در چهارده سال گذشته وارد افغانستان شده، بیشتر در موارد غیر ضروری و حتا غیر قانونی به مصرف رسیده است. اینها همه مواردی هستند که افغانستان را تبدیل به مصرف کننده محض کرده است.

نبود امنیت، سرمایه گذاری در افغانستان متوقف ساخته است، نبود حمایت از تولید کنندگان و زارعان افغانستان آنها را در رقابتی نابرابر با کالاهای وارداتی قرار داده است و مجبورشان ساخته تا ضرر را متقبل شوند. برنامه‌های بدون پشتوانه علمی و عملی و طرح‌های سلیقه‌ای، تبعیض آمیز پیشرفت را از افغانستان گرفته است.

دولتمردان باید فاصله شعار و عمل را کاهش دهند، به آنچه می‌توانند اذعان کنند و به آنچه نمی‌توانند دل‌نبنند و بر زبان نیاورند، صادقانه با مردم در میان بگذارند. در این صورت، حداقل اعتماد میان مردم و دولت برقرار خواهد شد، و آن خود سرمایه بزرگی برای افغانستان است.

از اقلیت یا نیروهای اجتماعی یا طبیفای عقیدتی بسته شود، در واقع راه برای تروریسم جو خشونت‌ج و در نتیجه تزلزل سیستم بازمی‌گردد.

امروزه نظریه پردازان دموکراسی، وجود اپوزیسیون و احزاب وابسته به آن را عامل حیات این نوع اندیشه و نظام سیاسی می‌دانند و نوع سالم آن را روح دموکراسی پارلمانی به شمار می‌آورند؛ زیرا در این نوع حکومت، اپوزیسیون نقشی حیاتی بازی می‌کند و به ادعای اصحاب دموکراسی، در برابر استبداد احتمالی حزب حاکم نقش مهمی را برعهده دارد. اینان معتقدند وقتی که همه گروه‌ها در قوه مقننه درباره لایحه‌ای بحث کنند، برتری مجلس ممکن می‌شود. اپوزیسیون کار آمد می‌تواند از قانونگذاری نامطلوب که ممکن است از فکر و ذهن رهبران دچار بیماری قدرت، برآمده باشد و در مرحله تصویب مجلس برای خشود کردن رأی‌دهندگان آنها با شور و شوق طرفداری شود، جلوگیری کند. افزون بر آن، اگر اپوزیسیون ناتوانان بیهیای وزیران حزب اکثریت را در مجلس افشا کند، قوه مجریه توان بر خودکامگی نخواهد داشت. طبیعی است که در صورت عدم ملاحظه گروه‌های قانونی مخالف در قالب احزاب، این فعالیت‌ها حالت پنهان، افراطی و براندازانه خواهد گرفت و فعالیت سیاسی در نظام تبدیل به فعالیت «بر ضد» نظام و حکومت می‌شود.

کارویژه‌های متناظر احزاب با ثبات سیاسی و امنیت اگرچه اجماع نسبتا کاملی درباره سودمندی وجود احزاب در تثبیت و امانت سیاسی یک نظام وجود دارد اما برخی از متفکران نیز همواره بدبینانه به این تشکل سیاسی نگر بسته‌اند و حتی تگرش منفی خود را به کلیه احزاب تسری داده‌اند. اما دیدگاه‌های جزئی‌نگری هم هستند که تنها به گونه‌ای موردی، ضعف و نارسایی عملکردی پارهای از احزاب را مغلط و کسسانی که به خوبی جنبه مثبت احزاب مخالف را نشان داده است «زُرژ لاوو» جامعه‌شناس فرانسوی است که در مورد حزب کمونیست فرانسه، تحقیقی انجام داده است (۱۵) و از نقش تربیونی این حزب که ما آن را «در پیچه اطمینان» ترجمه می‌کنیم نام می‌برد. «لاوو» نام تربیون را از «تربیبون دولیپ» در رم، باستان گرفته است، یعنی همان جا که مردم پاره‌نه جمع می‌شدند و صدای خود را به گوش کنسول می‌رساندند و سپس خوشحال از این که فریاد خود را زده‌اند، آرام به خانه‌های خویش بازمی‌گشتند و بدینسان نظام را از خطر شورش و دسیسه‌ها، وامی‌رهید. به نظر «لاوو» حزب کمونیست فرانسه تا سال ۱۹۶۵ که به سوی کسب قدرت از طریق انتخابات متمایل شد، در عین ضدیدت با نظام بورژوازی نقش در پیچه اطمینان را بازی و در نتیجه به حفظ نظام کمک می‌کرد. نظر «لاوو» کاملا درست می‌نماید زیرا قرائن نشان از آن دارند که چنانچه تمامی درها به روی برخی

احزاب، ثبات و امنیت



احزاب سیاسی می‌توانند از طریق فراهم ساختن ایدئولوژی، رهبری یا فرصتهایی برای مشارکت سیاسی، یا ترکیبی از این سه، برای دولت مشروعیت‌سازی کنند و بسا فراهم آوردن ابزار برای انتقال مسالمت آمیز قدرت در درون یک نظام حزبی رقابتی، به اقتدار حکومت مشروعیت بخشند (۱۴) و این واقعیت ضروری را ثابت کنند که حکومت صرفا عرصه جولان تعدادی از نخبگان یا یک الیگارشی بیگانه از جامعه که حتی صفات نخبگی اقل را نیز ندارد، نیست. احزاب این قابلیت دارند که در خلال واژطری ق جامعه پذیری سیاسی اولافرهنگ سیاسی را تقویت کنند و ثابا الگوهای فرهنگی رقابت و تعامل سیاسی را قانونمند و مصالحه آمیز کنند که این دو کارکرد ضامن تداوم و حیات سیاسی یک نظام به شمار می‌رود.

جالب این جاست که امروزه حتی احزاب مخالف را نیز به نحوی در تثبیت و حفظ سیستم سیاسی سهمیم می‌دانند؛ یکی از مغلط‌ها این است که احزاب را مغلط و کسسانی که به خوبی جنبه مثبت احزاب مخالف را نشان داده است «زُرژ لاوو» جامعه‌شناس فرانسوی است که در مورد حزب کمونیست فرانسه، تحقیقی انجام داده است (۱۵) و از نقش تربیونی این حزب که ما آن را «در پیچه اطمینان» ترجمه می‌کنیم نام می‌برد. «لاوو» نام تربیون را از «تربیبون دولیپ» در رم، باستان گرفته است، یعنی همان جا که مردم پاره‌نه جمع می‌شدند و صدای خود را به گوش کنسول می‌رساندند و سپس خوشحال از این که فریاد خود را زده‌اند، آرام به خانه‌های خویش بازمی‌گشتند و بدینسان نظام را از خطر شورش و دسیسه‌ها، وامی‌رهید. به نظر «لاوو» حزب کمونیست فرانسه تا سال ۱۹۶۵ که به سوی کسب قدرت از طریق انتخابات متمایل شد، در عین ضدیدت با نظام بورژوازی نقش در پیچه اطمینان را بازی و در نتیجه به حفظ نظام کمک می‌کرد. نظر «لاوو» کاملا درست می‌نماید زیرا قرائن نشان از آن دارند که چنانچه تمامی درها به روی برخی

و این توان‌آدارند که فرصتهایی را برای تحریک اجتماعی به سوی بالا ایجاد کنند و شایسته‌سما لاری‌ر تقویت و ترویج نمایند.

۱. ارتباط مستقیم با پدیده انتخابات و انجام دادن پهنه آن یا شکل دادن به افکار عمومی، گزینش نامزدها و ترتیب و تسبیق کار انتخابات‌گذاران.
۲. حزب دارای نقش آموزشی نظری و عملی توده‌ها در حوزه مشارکت سیاسی است و انگیزه لازم این امر را فراهم می‌سازد. از سویی با اطلاع‌رسانی دقیق، شهروندان را از تصمیم‌ها و مقاصد قدرت سیاسی آگاه می‌سازد و واکنش لازم را در قبال این مقاصد در آنها ایجاد می‌کند. (۹) ضمن آن که افراد را از دنیای انزوا و کره خوردن با مسائل گروهی خارج می‌سازد؛ از این‌رو حزب یکی از اصلی‌ترین کارگزاران توسعه سیاسی است.
۳. حزب، عامل ادغام اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی افراد در سطوح فردی، گروهی و اجتماعی است و از این طریق و با عضوگیری در حفظ نظام سیاسی و سازگاری آن با محیط مؤثر می‌افتد.
۴. احزاب یکی از مناسبترین مجاری را برای اعمال کارویژه‌های ارتباطاتی - در حوزه‌های روابط اجتماعی سیاسی - تشکیل می‌دهند.
۵. احزاب می‌توانند ابزاری برای استخدام سیاسی، تربیت کادرهای اداره حکومت و رسیدن به مشاغل و مناصب سیاسی به شیوه مدنی باشند

نظام سیاسی را بدین وسیله افزایش می‌دهند.

۱۱. تعیین شناسنامه حزبی برای کلیه طالبان فعالیت‌های سیاسی اعم از افراد و گروه‌ها که خواه ناخواه فعالیت و ارتباطات سیاسی آنها را با یکدیگر و دولت آسان می‌کند.

ب) کارویژه‌های خاص

اگر چه کارویژه‌های عام احزاب به طور غیرمستقیم، در بردارنده ثبات سیاسی و امنیت است یعنی با افزایش و تقویت توسعه سیاسی به این هدف ناآل می‌شود - اما احزاب مستقیما عامل بازدارنده خشونت و بی‌ثباتی سیاسی هستند و همانند دریچه‌های اطمینان عمل می‌کنند. اما نحوه این کنش و فرایند چگونه است؟ در پاسخ باید گفت احزاب سیاسی - به قول موریس دورژه - می‌توانند افکار عمومی را تثبیت کنند، و بدون آنها این افکار متغیر است: «احزاب، عقاید مشابه را هماهنگ می‌سازند، اختلاف فردی را کاهش می‌دهند، مسائل با جنبه شخصی را سوهان زده، آن را در چند خانواده بزرگ معنوی مستهلک می‌سازند. این کار بزرگ، سنتز بسیار مهمی است.» (۱۰) که نتیجه آن وحدت عقاید مشابه ولی متفرق است. همین نقش، احزاب جامعه را از تلاطم‌های بزرگ سیاسی و اجتماعی بازداشته و تمایلات و خواسته‌های متعدد و متنوع آنها را در مسیرهای مناسب و از قبل تعیین و هدایت شده قرار می‌دهد؛ هنگامی که اصلاح نهاده‌ها به موقع انجام نگیرد و دولتها و احزاب در رفغ عیوب و نقایص نهاده‌ها پیشی نچونند و نهاده‌ها را در مسیر اصلی و واقعی خود قرار ندهند، بی‌حسی اجتماعی، محرک ایجاد انفجارهای انقلابی می‌گردد که کنترل



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می‌نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی‌شود.

مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگه دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کارکنان: خالق علی زاده

دو زبان: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: مهدی صالحی

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۲۷